

وضعیت کارگران معدن نمک آب تالقان

معدن تاقچه خانه ولسوالی نمک آب تخار در دل کوه ها و تپه ها موقعیت دارد. در این معدن بیش از ۲۵۰ کارگر که اکثراً ریشه در زندگی روستایی دارند، از تام تا شام مصروف کندن خشت های نمک از بدنه کوه اند. این کارگران بیک کمپنی تهیه نمک کار میکنند. درین جا مسئله ساعت کار و مقدار مزد مطرح نیست. کارگر در مقابل هر بار خر نمک، مزد میگیرد.

یک کارگر سال خورده وضعیت کار در این معدن را برای "بهنام" عضو انجمن کارگران چنین بیان کرد: "همه همکارانم مثل من مصروف کار اند. من و دو پسر که هر دو پانزده ساله نشده اند، روزانه دو یا سه بار خر نمک را با کلند و جبل از کوه میکنیم روی خر خود بار نموده به ذخیره کمپنی میبریم.



بقیه ص ۳

فقر او بیوزلی د متمدنی نری د شرمه ډکي ننگوني

که څه هم فقر یو عام مفهوم دي او مختلفي بني لري خو دلته د فقر څخه موخه یواځي اقتصادي فقر او د ژوند له لومړنیو مادي توکو څخه محرومیت دي. انسانان د خپل ژوند د پایښت لپاره تل هڅي کوي تر څو د کار په وسیله په دغه بنسټیزه ستونزه بري ومومي خو سره د پیرویو پیروی تیریدو انساني ټولنه د ځینو څرگندو لاملونو په خاطر لا هم د بربریت او توپیرونو په څپو کي لاهو دي او په دي نه دي توانیدلي چي یوه عادلانه او د انساني کرامت وړ ټولنه د نري په کچه او یا هم لږ تر لږه د نري په یو گوټ کي ایجاد کړي. البته د زیرمو او امکاناتو کمیست، د زیرمو څخه ناوړه استفاده، جغرافیایي او اقلیمی وضعیت، نفوس، جنګونه، طبیعي پیښي او داسي نور عوامل د یوې ټولني په پرمختګ او وروسته پاتیوالي کي مهم نقش لري خو کله ددي ټولو منفي عواملو په نه شتون سره بیا هم په ټولنه کي نابرابري،

بقیه ص ۴

کارگران افغانستان در دوزخ "فساد" و استبداد

پنج سال قبل در همین ارگ جمهوری اسلامی، آقای کرزی و اعضای کابینه اش در حضور خلق الله به روی کتاب الله قسم یاد کردند، که دولت شان مردمی، دور از فساد اداری، انسان دزدی، قاچاق و قوم بازی خواهد بود. در همین ارگ، آقای کرزی و کابینه اش مراسم تحلیف بجا آوردند، که قانون اساسی را تحقق بخشیده علیه فقر، بیکاری، بی سوادگی، بی سرپناهی، کم بودن معاش، بی قانونی و نا امنی مبارزه کرده، جنایتکاران جنگی، متجاوزین به حقوق انسان را به محاکمه خواهند کشید. ولی در مدت پنج سال دولتداری آقای کرزی، حکومت، پارلمان، قضا، گروه های مسلح غیر قانونی و برخی از بنیادهای خارجی فعال در افغانستان، در رشوه خواری، چپاول دارایی های دولتی، اختلاس در دالره های وارد شده، پروژه فروشی، قاچاق چرس و تریاک، غصب زمین های دولتی،



بازار نیروی کار

انسان دزدی، چوکی فروشی، قوم بازی و خانواده بازی، چنان مست و الست بودند؛ که تعفن این همه جنایت و فساد که از مسامات جمهوری اسلامی به بیرون تیرک میزد، نه تنها مردم افغانستان را گس و مسموم ساخت که بوی این گنداب بالاخره وضع اوپاما و شرکای اروپایی اش را نیز خراب ساخت. اما آنچه در این داستان شرم آور جمهوری اسلامی رخ داده و از همه بیشتر شکنجه دهنده است؛ دو نکته اند:

بقیه ص ۲

پوزش و یادآوری

پوزش: پس از نشر، نشریه "کارگر" تعداد زیادی از علاقمندان جنبش های دموکراتیک کارگری با احساس خوشبینی نسبت به مطرح شدن درد ها، خواستها و حقوق صنفی این طبقه در یک رسانه خاص کارگری، به این نشریه مطالب، عکس و گزارش فرستادند. مدیر مسوول وسایر همکاران "کارگر" از احساس پاک این دوستان ارجمند، سپاس گزاری نموده و خواهان رابطه منظم هرچه بیشتر این علاقمندان میباشند. ولی اینکه بسیاری از این مطالب در نشریه کارگر به چاپ نرسیدند، پوزش میخواهیم.

بقیه ص ۳

کارگران افغانستان در دوزخ ...

۱) این دولت آلوده به "فساد و بدنام"، برای تمام سردهسته های مسلح دوران جهاد، برای تمام آنانیکه قومی را در گرو دارند، برای تمام آنانیکه دسته از دزدان مسلح را در اختیار دارند، برای تمام آنانیکه ناف شان به ناف این و یا آن کشور بنحوی گره خورده، در حکم چراگاهی بوده با جوی هایی از شیر و کندوهای از عسل، برای فربه شدن و سرمایه دار شدن؛ سرمایه هاییکه در شکل شهرک ها، بلند منزل ها، هتل ها، بانک ها، دستگاه های تولید هیروین، شرکت ها و شکل گرفتن باندهای مسلح قاچاق، تبارز یافتند. ولی در برابر این همه تراکم سرمایه و مالکان اکثرآ فاسد آن؛ طبقات و اقشار دیگری قرار داشته اند؛ نظیر:



کارگران، معلمان، نرسها، مأموران پایین رتبه، پینه دوزان، کراچی کشان، مزدبگیران هتل ها، دربوران، ملازمان مکاتب، کودکان محکوم به کار اجباری، قشر زنان، رؤفنگران ادارات و جاده ها، جوانان بیکار، هنرمندان افتاده به کساد، مزدبگیران روستایی و دهقانان بی زمین و کم زمین. دقیقاً، این نیروها که اساسی ترین نیروی مولد و خدمات اند؛ مخصوصاً در طی سه دهه اخیر، در یک مناسبات ستمگرانه اقتصادی یعنی مناسبات بین کار و سرمایه (جامعه مدنی) قرار گرفتند که همه وسایل معیشت و خرده مالکیت خود را از دست داده، بیشتر از پیش به فقر، گدایی، تن فروشی، ترک کشور، بیماری های روحی و بالاخره به مرگ تدریجی دچار اند. در این مناسبات ضد انسانی، فاصله بین فقیر و غنی از هر زمان دیگر بیشتر شده و این فاصله حالا آشکارا به وسیله خون و انرژی ترسیم میگردد.

اکنون هر کارگر بی سواد و کم سواد افغانستانی هم میداند که رابطه وی با همان قاچاقچی، باهمان دزد زمین و دزد آدم، با همان اختلاسگر، با همان رشوه خوار و دفتر سالار و با همان قلدری که بنام قوم توده های بی سواد و مظلومی را در گرو گرفته و در جلد سرمایه دار در آمده است، در چه وضع غیر انسانی ای قرار دارد؛ یعنی در مناسبات فروشنده و خریدار. بدون تردید، امروز هر صبح، کارگران، معلمان و همه زحمتکشان از هر در و کوچه ای به محل کار و بازار فروش نیروی کار ریخته برای دریافت مزد، نیروی کار میفروشدند و مالکان سرمایه برای تراکم سرمایه شان

نیروی کار میخرند. آری، چنین است مناسبات حاکم، میان طبقات اساسی (کارگر و سرمایه دار) افغانستان که از عدم تطبیق قانون و نبود کار، به شکل انرشی و استبداد درآمده است.

۲) مسخره تر از همه اینک: در مدت پنج سال گذشته، کارگران، معلمان و سایر مزد بگیران، از طریق رسانه ها، اعتصاب و مراجعه به دفاتر دولتی، از رشوه خواری، فساد اداری، دزدی، قاچاق، قوم بازی، خویش خوری مقامات دولتی و تفنگ سالاران، داد و فریاد کرده، فقر، بیکاری و بی سر پناهی خود را به مقامات دولتی رسانند؛ ولی مقامات دولتی هرگز گوش شنوایی نداشتند، چالپوسان از پاکی دولت ترازو بر زمین میزدند؛ تا اینکه اروپایی ها و امریکایی ها برای برگ انجیر گذاشتن بر شرمگاه دموکراسی شان، وارد میدان شده با یک صدا دولت آقای کرزی را "فاسد و بد نام" خواندند. باری، پس از پایان پنج سال دولت "فاسد و بدنام"، به نسبت بیچارگی مردم غیر سیاسی و غیر متشکل افغانستان و بیچارگی امریکایی ها و اروپایی ها که نتوانستند چهره جدیدی را به نمایش بگذارند، بار دیگر آقای کرزی یعنی همین شخصیکه مدت هشت سال یک دولت "فاسد و بدنام" را مدیریت کرده است، بر چوکی ریاست جمهوری تکیه زد. اما این بار آقای کرزی برای مردم افغانسان و امریکا و اروپا همان شخص ناشناخته و تجربه نشده نیست. از همین رو، اروپا، امریکا و سازمان ملل مدت شش ماه را برای آقای کرزی ضرب الاجل تعیین کرده اند که اگر با فساد اداری مبارزه ننماید، از افغانستان خارج خواهند شد و افغانستان را بار دیگر بدوستان متحجر قدیمی شان خواهند سپرد.

ولی در رابطه با این ضرب الاجل، دو پرسش میتواند مطرح شوند: ۱) آیا امریکایی ها و اروپایی ها واقعاً میخواهند تفنگداران و قاچاقبران را از قدرت سیاسی بزیر بکشند؟ ۲) آیا کرزی قادر است و یا میخواهد با فساد مبارزه کند؟

پاسخ به پرسش اول: در افغانستان سرمایه داری بشکل طبیعی در یک جریان آرام اقتصادی رشد نموده، بلکه تا حد زیادی در وجود قاچاق مواد مخدر، در وجود گروههای جنگی، در وجود گروههای سیاسی - مذهبی - قومی، در وجود غصب زمین های دولتی، در وجود روابط جاسوسی و بدست آوردن دالر بصورت معاش های دوامدار، رشد نموده است. لذا این کودک نیمه نا مشروع با صد رشته نامشروع با سرمایه های مادر (امریکا، اروپا، شیخهای خلیج و برخی از منابع دو کشور همسایه) در رابطه است. سرمایه مادر در طول سی سال اخیر مخصوصاً در هنگام تجاوز روسها از این گروه ها به نفع خود استفاده کرده، این ها را در صد میدان جنگی جنگانده، دهها هدف خود را توسط این ها شکار کرده است؛ و از همه مهمتر اینک: زمینه های حضور خود را در افغانستان بوسیله همین گروه ها آماده ساخت.

پس از دید کارگران و سایر ستمکشان افغانستان، سرمایه غرب، عرب و کشورهای همسایه، در افغانستان با بچه های خود هیچ گاه برخورد قاطع نخواهد داشت. آنچه اوضاع نشان میدهد، اینک: سرمایه غرب از سالها قبل پلان داشت که چگونه خود را به زیر ریش چین و روسیه (افغانستان و آسیای میانه) برساند؛ بناءً، اگر آقای کرزی بخواستهای سرمایه غرب جواب مثبت ندهد، اروپا و امریکا بنا بر پلانی، آقای کرزی را به قبول شکل گرفتن دولت حاشیه یی در کنار دولت فعلی مجبور خواهند ساخت، نه اینکه خود از افغانستان خارج شوند.

پاسخ به پرسش دوم: در جریان انتخابات همه کارگران و مزدبگیران به چشم دیدند که آقای کرزی در کنار رأی تعدادی از مردم، در اثر فعالیت برخی از امیران جهادی، تفنگ سالاران، مافیای زمین، وزرا، والیان و کلای همین پارلمان معروف، ۵۹ فیصد رأی را بدست آورد و در حضور همین ها بار دیگر سوگند یاد نمود. پس در این جای شکی نیست که این همه افراد و گروه ها که در کمپاین آقای کرزی بیرق تکان دادند و به اطراف کشور سفر کردند؛ خاص برای خدمت به مردم تلاش نکرده اند؛ بلکه چیزی بنام قدرت سیاسی و معافیت از جرایم در پنج سال آینده، بین شان - شاید هم عادلانه - قابل تقسیم باشد. پس آقای کرزی قادر نیست که در چنین موضعی استاده بر سر نی ای، دولت "پاکتر" از دولت پنج سال گذشته اش داشته باشد مگر اینکه با تمام موانع با قاطعیت بجنگد.

اما آنچه روشن است اینک: دولت آقای کرزی در پنج سال آینده با همین دموکراسی استبدادی، قومی و تنظیمی باقی مانده؛ چیزی که برای ما کارگران و سایر زحمتکشان خواهد رسید؛ جز فقر، بیکاری، بی سرپناهی، بی نانی، برهنگی، مرض، بی دوائی، بی سواد، ترک کشور، نا امنی و بالاخره مرگ تدریجی چیزی دیگری نخواهد بود.

ولی سوال اساس این است که: آیا ما کارگران و مزد بگیران، برای ابد برده و محکوم خلق شده ایم و این ستمگران برای اربابی ما و غارت این همه ثروت های روی زمین؟! نه نه چنین نیست این همه دروغ و خاک زدن به چشم ماست. ما کارگران و زحمتکشان بروی زمین نیز حقوقی داریم: چون حق حیات، حق نان، حق سرپناه، حق صحت، حق آزادی، حق بیان، حق سواد، حق تحصیل، حق سیاست، حق اعتراض، حق تشکل، حق حکومت کردن و داشتن ثروت. لیکن آنچه ما را به این بردگی و ذلت کشانده است یکی هم بی اتفاقی و نا آگاهی ماست، اگر ما در تشکل های صنفی خود، مثل عضویت در "انجمن کارگران افغانستان" متحد شویم، کاملاً قادر خواهیم بود که از این دوزخ روی زمین نجات یافته به حقوق صنفی خود دست یافته و با زنان و کودکان مجبور به کاراجباری نیز همکار باشیم.

نور

کارگران دست شما قابل بوسیدن است!

وضعیت کارگران معدن نمک ...

ذخیره از ما دو کلو متر مصافه دارد. هر بار خر ۱۰ سیر وزن دارد، در مقابل هر بار خر ما ۲۷ افغانی در یافت میکنیم. ما سه نفر از آفتاب برآمد تا شام ۱۱۰ افغانی کار میکنیم. این برای خانواده ما نان خشک و جو و کاه مرکب هم نمی شود. روزگار دیگر کارگران هم همین قسم است. بسیاری کارگران پای لچ کار میکنند. دست های ما آبله میشوند، چاره چیست؟ کارگران این معدن از حقوق کارگری مثل: حق ۸ ساعت کار، حق صحت، حق دریافت کار، حق



سلامتی در جریان کار، وظایف کمپنی و دولت در رابطه با حقوق کارگران، چیزی نمیدانند؛ ولی رابطه خود با کمپنی را که یک رابطه کاملاً ستمگرانه است در عمل خوب درک میکنند.

همه کارگران این معدن مرد اند، در حدود ۴۰ فیصد این کارگران را کودکان زیر سن ۱۵ میسازند. این کودکان با الاغ هایشان که بی نهایت به آن مسوولیت نشان میدهند بی رحمانه استثمار میشوند. کمپنی در مقابل صحت و آموزش این کودکان هرگز مسوولیتی ندارد، فقط از جان این معصومان شیره میکشد.

کودکان کارگر در حال حرکت بسوی معدن نمک



کارگران این معدن همه از شیوه کار، برخورد های مسوولین کمپنی و دولت ناراضی اند، یک کارگر که با مشخص شدن نامش حاضر نبود؛ در مقابل این

سوال که آیا شما از زندگی خود راضی هستید؟ گفت: "به زخم ما نمک نپاشید، شما به چشم میبینی که ما یک لقمه نان به قیمت ریزاندن خون و عرق بدست میآریم، در این سوراخ های کوه این چه زندگی است؟ در اخیر کارگر گفت: چه وخت اخبار و عکس های ماره میاری؟ بسیار کسا آمدن عکس گرفتن و فلم تیار کدن باز گم شدن" کارگری که کلند خود را به کان نمک فرود میآورد، در مقابل این سوال که خواست شما از دولت آقای کرزی چیست؟ گفت: کار، نان، آرامی!

بهنام

بدون کار کارگران، زندگی بیمزه و بی نمک است!

پوزش و یادآوری ...

یادآوری: مقالات رسیده اکثراً فاقد کیفیت نبوده اند؛ ولی در رابطه با حقوق و وضعیت کارگران افغانستان یا کاملاً بی ربط بوده و یا رابطه ضعیف داشته اند. نشریه کارگر نمیخواهد در تاریکی مشت بزند و چیزهای تکراری که سالها گفته شده و یا مطالبی که بدون ربط به موضوع کارگران در چند صد رسانه چاپی و برقی افغانستان منتشر میشوند، دوباره در این نشریه به چاپ برسند. نشریه کارگر دارای "استراتژی" نشراتی معینی میباشد که در برنامه کاری "انجمن کارگران افغانستان" زیر فصل دوم روشن شده است. و آن چیزی نیست جز بلند بردن شعور سیاسی - اجتماعی کارگران در راه بدست آوردن حقوق صنفی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مدنی و فرهنگی این طبقه که در مناسبات فروش نیروی کار این طبقه و خرید این نیرو از بازار فروش نیروی کار بوسیله سکتور خصوصی، دولت و سایر مالکان سرمایه، پنهان است. به عبارت ساده پاشنه آشیل برنامه نشراتی نشریه کارگر، توضیح و تشریح جامعه مدنی (مناسبات اقتصادی کنونی) است که دارد جای مناسبات قرون وسطایی (بین دهقان و فیودال) را در افغانستان میگیرد. "کارگر" میخواهد این مناسبات را دقیقاً به بحث گیرد و زوایای تاریک این مناسبات را منجیح ضرورت اجتماعی ملیونها کارگر به زبان ساده کارگری روشن سازد؛ تا ساده ترین کارگران شهری و روستایی به موقعیت اجتماعی شان در ساحت تولید، تجارت، زراعت، ساختمان، خدمات و سهم و بی سهمی شان در کالاهای تولید شده، بطور یک سیستم پی برده به حقوق انسانی و شهروندی خویش که انعکاس مناسبات فوق بوده و در قوانین ملی و بین المللی ثبت اند، نه تنها در ساحت سیاسی؛ بلکه در ساحت اجتماعی نیز آگاه شده، در راه عملی

کردن این حقوق، متحد و هماهنگ شوند. زیرا دست یابی به این حقوق، وظیفه خود کارگران است که این مناسبات را با گوشت و پوست لمس میکنند، نه از عواملی در بیرون از این طبقه.

و اما مسایلی که مستقیماً به این "برنامه نشراتی" مربوط اند و در پیرامونش میتوان برای "کارگر" بی حساب مقاله نوشت، گزارش و عکس تهیه کرد: آگاهی چیست؟ کدام فعالیت انسان کار نامیده میشود؟ کارگر کیست؟ موقعیت اجتماعی کارگران، چند نوع کارگر وجود دارد؟ چرا کارگران از کشور خارج میشوند؟ چرا اینقدر روستایی ها به شهرها ریخته اند؟ علل بیکاری چیست؟ کارفرما کیست؟ مزد چیست؟ نیروی کار یعنی چه؟ کالا چه مفهومی را میرساند؟ سرمایه چیست؟ چند نوع سرمایه وجود دارد؟ ارزش چیست؟ ارزش نیروی کار یعنی چه؟ حق بیمه صحتی کارگران، حق بیمه بیکاری کارگران، حق آموزش و پرورش کارگران، حق صحت و سلامت کارگران، حق حیات، حق غذا، حق مسکن و حق کار کارگران، حق تفریح، حق باز نشستگی و حق سیاسی - مدنی کارگران، حق دسترسی و انتشار اطلاعات، حق تشکلهای کارگری، حق اعتصاب، حق تظاهرات، مسوولیت های دولت در قبال حقوق کارگران، وضعیت زنان و کودکان در خانواده های کارگری، وضع کارگران افغانستانی در خارج از کشور، خواستها و رنجهای کارگران در فلان کارخانه، فلان ساختمان، فلان معدن، فلان روستا، فلان اداره، شفاخانه و فلان شرکت، تاریخ مبارزاتی کارگران در افغانستان، اهمیت وحدت کارگران، علت تفرقه بین کارگران، توان خرید کارگران، وضعیت بازار و قیمت ها، وضعیت کارگران افغانستانی در مقایسه با کارگران خارجی، پیوند کارگران افغانستانی با کارگران جهان، روزه های تاریخی، مفاهیم تاریخی شهر و روستا، تفاوت بین کارگران تولیدی و غیر تولیدی، اثرات تقسیم طبیعی و اجتماعی کار بر زندگی بشر، معرفی منابع کارگری با ترکیب و ارقام: مرد، زن، کودک و نوعیت کار، وضعیت زیست زنان در خانواده های غیر کارگری، وضعیت کودکان، صنوف حرف، معلمان، کمپیوتر کاران، هنرمندان، دهقانان بی زمین، داستان های کوتاه کارگری و اشعار، نقد پلان ها و سیاست های دولت در رابطه با حقوق و زیست اجتماعی کارگران، دفاع از رفم های مثبت در ساحت کار دولت و سکتور خصوصی به نفع کارگران، افشای منابع: رشوه، اختلاس، قاچاق و جاسوسان بیگانه، مقالات تحلیلی در رابطه با مرگ قرون وسطا و رشد سرمایه داری، دموکراسی سیاسی، دموکراسی اجتماعی، و صد ها مسایل دیگری که استوار به حقایق مربوط به طبقه کارگر و تکامل جامعه میباشد. به آرزوی کامیابی هرچه بیشتر دوستداران نشریه کارگر.

فقر او بیوزلي

سمون راوستلو هيله هسي يو خوب ليدل دي. نو له دي امله ټولني تل د وړو راپاريدلو خلكو د سخت غبرگون سره مخامخ وي او د ټولني همدغه بشكته طبقې لكه دهقانان، كارگران او نور تر ظلم لاندې خلكو خوځښتونه د تاريخ پاني اړوي. اما دولتي چارواكي او پانگوالي رژيمونه هغوي ته د هغوي د مشروعو حقونو وركولو پر ځاي دغه تر پوزي راغلي خلك په بغاوت او قانون ماتوني تورنوي او په بيرحمانه توگه يې ځپي. د هغوي لارښوونكي وژني او يا يې په زندانونو كې بندي كوي. هغوي څخه د خپل غږ پورته كول حق اخلي او هغه د"لورو ملي گټو" سره په ضد كې گڼي او په دي پلمه دولت او حاكمه طبقات خپل پرازيتي ژوند ته دوام وركوي. د غلا، وژني او نور ټولنيز تاوتریخوالي ريشي په همدې فقر او لوړې كې نغښتي دي. ځكه چې هر انسان د لوړې په وخت كې مجبورېږي چې پرته د ځانورژني يو "بې قانونه" كار ته لاس واچوي كنه نو د پانگوالي نظام او د هغوي د پلويانو په منطق بايد زغم نه كار واخلي او بالاخره مړه شي .

د افغانستان دولت او ملي پرمختيايي استراتيژي

د افغانستان دولت په تېريو اتو كالونو كې پرته د دروغو او درغلني بل څه كړي نه دي. دغه اداره چې په څو مياشتو كې د بهرنيانو لخوا نه د افغانستان په خلكو وټل شوه، پرته د بهرنيانو گټو او هدفونو ته د خدمت څخه، د افغانستان د خلكو په مقابل كې احساس او ژمنه نه لري. د مليونونو ډالرو په لگښت د دريو كالونو په مودې كې د افغانستان ملي پرمختيايي استراتيژي جوړه شوه خو په هغې كې د افغانستان د محرومو اكثرينو د ژوند ښه والي لپاره هيڅ كوم پاركي نه و ځانگړي شوي او د پاريس په كنفانس كې هغه ۵۰مليارد ډالر وعده شوې نړيواله بسپنه هم نه د افغانستان د ملي پرمختيايي استراتيژي تطبيق لپاره نه بلکې په دي پلمې د هغوي خپلو استراتيژيکو موخو لاس ته راوړلو لپاره بيلي شويدي. او په همدې خاطر دي چې د اتو کالو په ترڅ كې مونږ د كارگرانو، دهقانانو او نورو زيارايستونكو وگړو په ژوند كې كوم اقتصادي، صحي، تعليمي، او فرهنگي پرمختگ نه وينو او ددي خلاف هغه خلكو چې پخوایي نسبتا ښه ژوند درلود هغه يې له لاسه وركړ او اوس د نورو وړو، بيكارو، بي كورو او بدمرغو خلكو په ليكو كې گډ شويدي. د دولت او نړيوالي ټولني لپاره ددغه حالت بوه گټه داده چې گڼ شمېر بېسواده او سواد لرونكي ځوانان د فقر او كار نشتوالي له وجهې د جنگ لومړيو كړينو ته دانگي او د ۵ زره افغانينو په بدل كې خپل سر په قيمار كې كړدي. او په دي توگه د هغو ځوانانو قرباني ددي فاسدو، غلاگرو او مافيايي واکمنو ډلو گټې او واکمني خوندي كوي.

د افغانستان كارگران او ټول زياركېشانو ته ښايي چې ددي بيكاره، درغلني او په بډو باندي ككړي اداري وعدو باندي نور اعتبار و نه كړي او دوي ته هيلمن و نه اوسي ځكه چې ددي اداري اته كلني تجربې وښودله چې نوموړي دولت د افغانستان په تاريخ كې د كاگرانو او زياركېشانو په وړاندي يو بې تفاوته او ظالم دولت دي. د نوموړي اداري د نوښتونو څخه يو د كار قانون او بل د خصوصي كول تگلاري جوړول وو دكوم په نتيجي كې چې كارگرانو او دولتي ټيټو مامورينو خپل پخواني امتيازونه هم له لاسه وركړل او د بيكاري او ژوند ښه كيدو په وړاندي يې هيڅ تضمين نشته. كارگران او زياركېشان بايد چې د اقتصادي فقر د لمنځه وړلو ترڅنگ د خپل سياسي او فرهنگي فقر په ډگر كې هم غښتلي هڅي وكړي او يواځې د دوي اگاهانه يووالي او پاڅون كولاې شي چې د دوي اقتصادي فقر، لوړه، ستم او استثمار ته د تل لپاره د پاي ټكي كيردي .

ځلاند

صاحب امتياز: انجمن اجتماعی کارگران افغانستان

مدیر مسؤل: (شریفی)

شماره تلفون: 0798544339

ایمیل آدرس: kargar_af09@yahoo.com

آدرس پانگی: عزیزى بانک، اکونت نمبر 003801200037236

قیمت ۳ افغانی

تبعيض، لوړه، بیوزلي، ناروغتیا او ظلمونه په ډاگه لیدل کیږي. نو په دي توگه په یوې ټولنه كې د فقر، لوړې او نابرابريو لمنځه تلل د هغې ټولني د سياسي واکمني ډول او د چارواکو اند او کړنو پورې اړه لري. پرته د ټينگ هوډ او د يوې پرمختللي او هوسا ټولني په ايجادولو باور څخه نشي کيداي فقر او لوړه او ټولنيز توپيرونه لمنځه لاړ شي. که څه هم د اقتصاد پوهان او مختلف سياسي نظامونه د پېړيو راهيسي مختلفي طرحي وړاندي کړيدي خو دي ټولو لا تر اوسه د نړي مخ څخه دغه تور نوغي وينځلي نه دي: په نړي كې د يو ميليارډو څخه زيات خلك له لوړې څخه كړيږي او دغه شميره هر كال لا زياتيږي او ددي شميرې ډېرې قرباني ښځې او ماشومان دي. د نړي ۱.۴ ميليارډو فقير وگړو څخه ۷۰٪ يې ښځې دي. په ټوله اسيا كې ۶۴۲ ميليونه، په افريقا كې ۲۶۵ ميليونه او لاتين امريكا كې ۵۳ميليونه خلك وړي دي. خو د ناروين نه ډك دغه حالت نه يواځې دا چې د ښه والي لور ته نه ځي بلکې لوړه، فقر او بديختي لاپسي زياتيږي. د وړو سره د مرستي موسسي نړيوال ريس (بريل ديکمن) په ډير وياړ سره وايي چې ۲۱ پيړي به د لوړې پيړي وي!! خو هيڅوک رښتيا نه وايي چې ولي د دومره شرمه ډکه پيړي؟ ولي پانگه والي نظام په انساني ټولنو باندي يې داسې حالت حاکم کړي دي او د بدلون لاري يې ترلې دي؟ ملگري ملتونو يواځې د اساسي بدلونونو څخه د وړو خلكو د پام اړوني لپاره يې ۷۱ د اکتوبر د فقر سره د مبارزې ورځ ونوموله چې هر کال به په سمبولیک ډول لمنځ کيږي اما مثبتې پايلې به نه لري. په دي معني چې ډيري طرحي، سياستونه او اقدامات يواځې د ټولني د اکثریت نفوس چې هغه کارگران، دهقانان او نور مظلومه خلك دي د غولولو په مقصد اجرا کيږي نه هغوي ته د ژوند د برابر و شرايطو چمتو کولو لپاره. کارگران او دهقانان، ښځې او ځوانان د ټولني هغه وگړي دي چې د هر بل چا څخه له لوړې، بي کورې، بي درملني، ظلم او تاوتریخوالي څخه کړيږي خو د خپل سياسي او فرهنگي فقر په وجهې تر اوسه پوري غوليدلي او د نورو د گټو او موخو قرباني شويدي.

لوړه او فقر په افغانستان كې

افغانستان دنړي له هغو هيوادونو څخه يو دي چې دخپل نفوس په تناسب گني طبيعي زيرمي او دخپل جغرافيايي موقعيت له کبله ځانگړي اهميت لري. خو د فاسدو، بي کفایتو او مستبدو رژيمونو د واکمني په خاطر زموږ وگړي په ځانگړي توگه کارگران، دهقانان، ښځې او ځوانان لا اوس هم د يوې نمرې ډوډوي لپاره خپل اولادونه خرڅوي او يا ډله ايزه ځانورژنه کوي. د ملل متحد او دولت رسمي څيړني څرگندوي چې په افغانستان كې ۴۰٪ فقر وجود لري او تر ۲۰ ميليونو زيات وگړي او فقر كې ژوند تېروي او د صحت وزرات مطابق ۳۸٪ ميندي چې د ولادت او اميدواري په وخت كې خپل ژوند له لاسه وركوي يو اساسي عامل يې خوارځواكي او لوړه ده. شايد يواځې د پلازميني كابل په واټونو كې دگدايانو شميره او د ماشومانو ستونزمن كارونه او له هغوي څخه ناروړه گټه اخيسته د ټول افغانستان د فقر كچه انځور كړاي شي.

په نورو ټولنيزو برخو باندي د فقر او لوړې اغيزي

پوهان وايي چې اقتصاد د انسانانو او نورو پرمختگونو بنسټ دي. پرته د اقتصادي ودې او د اقتصادي برابرې څخه په نورو برخو كې د پرمختگ او

کارگر را بخوانيد، کارگر را به دوستان خود برسانيد، به کارگر مطلب بنويسيد و گزارش تهيه نماييد، کارگر نشریه شما و پژواک زندگی شماست.

